



حکایت یاکوبس کوتزیه

فهرست

۱۱	درباره نویسنده
۱۳	یادداشت مترجم متن هلندی به انگلیسی
۱۵	حکایت یاکوبس
۱۲۷	پی‌گفتار
۱۶۱	پیوست: شهادت یاکوبس کوتزیه (۱۷۶۰)

درباره نویسنده

جان مکسول کوتزیه در سال ۱۹۴۰ در کیپ تاون، آفریقای جنوبی، متولد شد و در رشته‌ی ریاضیات و در ایالات متحده آمریکا در رشته‌های کامپیوتر و زبان‌شناسی تحصیل کرد. اولین کتاب داستانی او سرزمین‌های بی‌فروغ (شامل دو داستان پروژۀ ویتنام، و حکایت یاکبوس کوتزیه) بود. پس از آن داستان‌های زیر را نوشت: در قلب میهن، برنده‌ی جایزه‌ی ادبی آفریقای جنوبی، جایزه CNA؛ در انتظار بربرها (ترجمه فارسی)، برنده جایزه‌های CNA، یادبود جفری فیبر، و یادبود جیمز تیت بلک؛ زندگی و زمانه مایکل ک (ترجمه فارسی) برنده جایزه‌های بوکر و Prix Etranger Femina؛ دشمن (ترجمه فارسی)؛ عصر آهن (ترجمه فارسی)؛ ارباب پترزبورگ، برنده جایزه بین‌المللی آیریش تایمز برای داستان؛ رسوایی، برنده جایزه‌های بوکر و الیزابت کاستلو. او در ۱۹۸۷ برنده جایزه اورشلیم و در ۱۹۹۸ برنده جایزه ادبی

لانا برای داستان شد. سایر آثار او شامل چند ترجمه، مقاله زبان‌شناختی، نقد ادبی؛ و پسرانگی (ترجمه همین مترجم)، نامزد جایزه انجمن نقد کتاب ملی (National Book Critics Circle)؛ سواحل بیگانه؛ و جوانی است.

جی.ام. کوتزیه در سال ۲۰۰۳ برنده جایزه نوبل ادبیات شد.

یادداشت مترجم متن هلندی به انگلیسی

حکایت وان یاکوبس کوتزیه^۱، یانسون^۲ ابتدا در سال ۱۹۵۱ توسط مرحوم پدرم، دکتر س. جی کوتزیه برای انجمن وان پلتنبرگ چاپ و منتشر شد. این کتاب شامل متن با یک مقدمه بود که از سلسله سخنرانی‌هایی که پدرم در سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۸ در مورد کاشفان اولیه آفریقای جنوبی در دانشگاه ستلنبوش ایراد کرده بود، استخراج شده بود.

کتاب حاضر ترجمه کامل حکایت یاکوبس کوتزیه از زبان هلندی است که به شکل مؤخره پس از متن قرار داده‌ام و ترجمه شهادت رسمی کوتزیه در سال ۱۷۶۰ را به آن اضافه کرده‌ام. جز این، چند دخل و تصرف جزئی به منظور رفع مشکلات زبانی انجام شده است.

1. Van Jacobus Coetzee

2. Janszoon

از دکتر پ. ک. ای. فان یوگوم! که چند توصیه مفید برای بهبود ترجمه کرد؛ انجمن وان پلتنبرگ و خانم م. جی. پوتگیتز برای آماده‌سازی کتاب و کارمندان آرشیو ملی آفریقای جنوبی قدردانی می‌کنم.

حکایت یا کوبس

پنج سال قبل، آدام ویناند^۱ ولدالزنا، که به هیچ وجه از این بابت احساس سرافکنندگی نمی کرد، بار و بندیش را بست و روانه سرزمین کورانا شد. او مسائل شخصی زیادی داشت. مردم می دانستند که اهل کجاست، می دانستند که مادرش یک هوتنتوت^۲ بود که زمین گونی می کشید و سطل زباله خالی می کرد و تاروژی که مرد، هر کار که به اش می گفتند، انجام می داد. او به کورانا رفت و مردم راهش دادند و کمکش کردند، آن آدم های ساده ای اند. حالا همین آدام ویناند پولش از پارو بالا می رود، ده هزار رأس گله دارد، هر قدر زمین که بتواند ضبط و ربط کند و

1. Adam Wijnand

۲. Hottentots، ساکنان جنوب غربی آفریقا و شمال غربی ایالت کیپ آفریقای جنوبی. اولین بومیانی بودند که با هلندی ها تماس یافتند. آن ها از زمین های خود رانده شدند و به بردگی درآمدند. هنوز زندگی چادرنشینی دارند.